

Typology of the Applicants of the Judiciary Based on the Documents of the Beginning of Constitution (1325-1329 AH)



Hamideh Shahidi¹

Abstract

The main duty of the judicial system is dealing with legal and criminal complaints. This study deals with diverse types of people referring to the judiciary after the constitution (1325-1329 AH). Taking a quantitative approach and applying a descriptive-analytical method (since the materials are archived sources), the study tried to identify and analyze the various people referring to the judiciary. The results show that the people who visited the judiciary were mainly dwellers of cities. At least in the early years after the constitution, one cannot see any effort for establishing courts in non-urban regions. The examination of legal claims between different people shows that financial issues are the main reason of the disputes. Though disputes over real estates can be found among all kinds of people of society, the size of the claimed property is directly related to social strata of the claimer, as dispute over a big properties signifies that that person belongs to first strata or the group of great businessmen. The documents of criminal lawsuits show clearly that the most of nobles and officials of ruling system were involved in forging documents. This was because there was not any exact deed or unclear property boundaries. Unlawful behaviors can be found among the main traditional canons of power, but the registered cases in the documents regarding dealing with the issues is remarkable.

Keywords: Constitution Era, The Judiciary, Typology of Applicants, Historical Documents, Amjad al-Soltan

1. PhD, Researcher of Documents, Visiting Lecturer, Department of History, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; h.shahidi2020@gmail.com.



سنخ‌شناسی مراجعین به عدلیه بر اساس اسناد صدر مشروطیت (۱۳۲۵-۱۳۲۹ق)

حمیده شهیدی^۱

چکیده

وظیفه مهم نظام قضایی، رسیدگی به دعاوی و شکایت‌های حقوقی و کیفری است. پژوهش حاضر به سنخ‌های مختلف مراجعه‌کننده به عدلیه پس از مشروطه طی سال‌های ۱۳۲۵ق. تا ۱۳۲۹ق. می‌پردازد. این مقاله بر آن است با اتخاذ رویکردی کیفی و با توجه به ماهیت منابع آرشیوی با شیوه توصیفی-تحلیلی، سنخ‌های مختلف مراجعه‌کننده به عدلیه را شناسایی و موردتحلیل قرار دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد، سنخ‌های مختلفی که به عدلیه مراجعه می‌کردند، به‌طور عمده شهرنشین بودند. حداقل طی سال‌های نخست مشروطه برای گسترش عدلیه در میان جمعیت غیرشهری اهمیتی مشاهده نمی‌شود. با بررسی دعاوی حقوقی میان سنخ‌های مختلف، مسائل مالی بیشترین اختلافات را شامل می‌شد. اگرچه دعاوی ملکی شامل تمام سنخ‌های اجتماعی است، اما گستردگی یا محدود بودن ملک مورد ادعا، ارتباط مستقیمی به وابستگی فرد به نوع سنخ اجتماعی خود دارد، به‌طوری‌که اختلاف بر سر املاک گسترده، نشان‌دهنده وابستگی فرد مذکور به گروه نخست یا تجار بزرگ است. آنچه در دعاوی جزایی این دوره موردتوجه قرار می‌گیرد، پدیده جعل اسناد است که به‌طور عمده اشراف و وابستگان حکومتی درگیر آن بودند. این امر به نبود قباله درست و نامشخص بودن حدود املاک بازمی‌گردد. اگرچه رفتارهای فراقانونی از افراد وابسته به کانون‌های سنتی قدرت مشاهده می‌شود، اما مصادیق ذکرشده در اسناد در مقابله با آنان قابل ملاحظه است.

واژگان کلیدی: دوره مشروطه، عدلیه، سنخ‌شناسی مراجعین، اسناد تاریخی، امجدالسلطان

۱. دانش‌آموخته دکتری، پژوهشگر اسناد، مدرس مدعو، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛
h.shahidi2020@gmail.com

مقدمه

تبیین و تدقیق بیشتر در نظام قضایی یک کشور، فارغ از مطالعه تاریخ آن میسر نیست. اگرچه سیستم قضایی ایران در ادوار مختلف، تحولات گوناگونی را پشت سر نهاده، اما در هر صورت متأثر از سوابق تاریخی آن است. شناخت پیشینه تاریخی نظام قضایی ایران توسط حقوق دانان و دست اندرکاران قضا جهت ایجاد سازمان قضایی مطلوب، ضروری به نظر می‌رسد، به‌ویژه آن‌که پس از گذشت سال‌ها، دستگاه قضا همچنان با همان مشکلات عدلیه در دوره مشروطه، دست‌به‌گریبان است. از سوی دیگر با توجه به این‌که اسناد از مهم‌ترین منابع تحقیقات تاریخی هستند، لازم است از درون آرشیوها بازشناسی و جهت تبیین صحیح حوادث مورد بهره‌برداری قرار گیرند. یکی از عمده‌ترین منابعی که می‌توان در پرتو آن به تاریخ نظام قضا در این دوره پرداخت، اسناد امجدالسلطان، معاون عدلیه است. از تاریخ نظام قضا در سال‌های موردنظر که مقارن با صدر مشروطیت است، در منابع اطلاع چندانی به دست نمی‌آید، اما می‌توان زوایای پنهان آن را در اسناد مذکور موردشناسایی و بازخوانی قرار داد و به ایضاح موضوع پرداخت. انتخاب بازه زمانی ۱۳۲۵-۱۳۲۹ ق. (۱۹۱۱-۱۹۰۷ م.) در عنوان پژوهش، به این علل بوده است:

۱. سازمان و تشکیلات قضایی که بخشی از نظام اداری این دوره محسوب می‌شود، در دو مقطع زمانی قابل بررسی و مطالعه است: نخست با تصویب متمم قانون اساسی از ۱۳۲۵ ق. تا ۱۳۲۹ ق. و دوم پس از تصویب قانون اصول تشکیلات عدلیه که از رجب ۱۳۲۹ ق. تا پایان قاجاریه ادامه می‌یابد. قانون اساسی مشروطه که در ۱۳۲۴ ق. با شتاب و متأثر از فضای هیجانی رخداد مشروطه به تصویب مجلس رسید، موضوعاتی از جمله عدلیه یا قوه قضائیه را شامل نمی‌شد. از این‌رو تدوین متمم قانون اساسی در دستور کار قرار گرفت و در ۱۳۲۵ ق. به تصویب رسید. در متمم قانون اساسی، برای نخستین بار ذکری از قوه قضائیه به میان آمد و طی اصولی جایگاه قوه قضائیه در ساختار حکومت، تشکیلات و سازمان قضایی و اساسی‌ترین مسائل مربوط به امر قضاوت مورد اشاره قرار گرفت. درواقع، ایجاد سازمان و تشکیلات قضایی به صورت رسمی پس از تصویب متمم قانون اساسی از ۱۳۲۵ ق. آغاز شد. از آنجاکه این قانون به کلیات پرداخته بود، نیاز به تدوین و تصویب قوانینی مفصل‌تر و جزئی‌تر وجود داشت. بر این اساس قانون اصول تشکیلات عدلیه در رجب ۱۳۲۹ ق. به تصویب رسید. بازه زمانی این پژوهش، دوره نخست، یعنی فاصله ۱۳۲۵ ق. تا ۱۳۲۹ ق. را در برمی‌گیرد.

۲. روح حاکم بر این مطالب، نتیجه بررسی و مطالعه حجم وسیعی از اسناد منحصر به فرد به تعداد ده هزار برگ سند است که بازه زمانی ۱۳۲۵ق. تا ۱۳۲۹ق. را در برمی گیرد. این اسناد مربوط به دوره معاونت سید میرزا محمدخان حسینی ملقب به امجدالسلطان در عدلیه است. در چند ماه نخست پس از مشروطه، میرزا شفیع صدرالممالک به عنوان صدر دیوانخانه یا به عبارتی معاون عدلیه بود تا این که به مقام تولیت آستان امام رضا (ع) منصوب می شود. پس از او مقام معاونت عدلیه به برادرش امجدالسلطان احاله می شود. امجدالسلطان از ۱۳۲۵ق. تا ۱۳۲۹ق. حائز این منصب بود تا این که پست معاونت عدلیه، بر اساس قانون اصول تشکیلات عدلیه از سلسله مراتب تشکیلاتی دستگاه قضا حذف شد. بررسی این تعداد سند با موضوعات پراکنده، استخراج اطلاعات و دشواری خوانش اسنادی که به صورت دست نویس است، صبر و حوصله مضاعفی را می طلبد. هم اکنون قسمت عمده اسناد امجدالسلطان در مرکز آرشیو اسناد آستان قدس رضوی و قسمت محدودی از آن در مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود.

پیشینه پژوهش

پژوهش تاریخی در زمینه مسائل حقوقی و دستگاه قضا کمتر مورد علاقه پژوهندگان تاریخ قرار گرفته است. در این کتب به طور خاص به دوره مشروطه و یا بازه زمانی مورد نظر پرداخته نشده است. با این حال، در میان این آثار، دو کتاب *تاریخ حقوق ایران* از حسن امین و *تحول نظام قضایی ایران* از محمدزنگ به دوره مشروطه، بیشتر پرداخته اند و سایر کتب در باره این دوره، دارای مباحثی مشترک و تکراری هستند. آثار مذکور می توانند در جهت یابی پژوهش هایی از این گونه مفید باشند، اما هیچ یک از آن ها از اسناد این دوره استفاده نکرده اند. همچنین درباره موضوع مورد نظر این مقاله، در هیچ یک از پژوهش ها اشاره ای نشده است.

روش پژوهش

از آنجاکه وظیفه مهم نظام قضایی، رسیدگی به دعاوی و شکایت های حقوقی و کیفری است، پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی کیفی و با توجه به ماهیت منابع آرشیوی با شیوه توصیفی - تحلیلی به نسخ های مختلف مراجعه کننده به عدلیه در پس از مشروطه طی ۱۳۲۵ق. تا ۱۳۲۹ق. می پردازد و شناخت این امر عمده ترین مسئله ای است که در کانون توجه این مقاله قرار دارد.

تقسیم‌بندی سنخ‌های مختلف و چگونگی شناخت آن‌ها در اسناد

جهت شناسایی سنخ‌های مختلف مراجعه‌کننده به عدلیه لازم است آن‌ها را تقسیم‌بندی کرد. در بحث‌های اجتماعی این پرسش مطرح شده است که از چه مفاهیمی باید برای تفکیک طیف‌های مختلف اجتماعی بهره گرفت. ازجمله مفاهیمی که جامعه‌شناسان در این زمینه به کار گرفته‌اند، مفهوم طبقه است. بروس کوئن طبقه اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کند: به بخشی از اعضای جامعه اطلاق می‌شود که از نظر ارزش‌های مشترک، حیثیت، فعالیت‌های اجتماعی، میزان ثروت و متعلقات شخصی دیگر و نیز آداب معاشرت، از بخش‌های دیگر جامعه تفاوت داشته باشند. (کوئن، ۱۳۸۵: ۱۹۳)

برای یافتن طبقات اجتماعی، نظام‌نامه انتخاباتی مجلس شورای ملی تصویب شده به تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ ق. موردتوجه قرار گرفت، چراکه انتخابات نه به صورت تقسیم‌بندی کشور به حوزه‌های انتخابی، بلکه بر اساس جایگاه‌های اجتماعی و به صورت طبقاتی ذکر شده و از واژه طبقه شامل شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، اصناف، ملاکین و فلاحان، نام‌برده شده است. (مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت: ۸، ۹) معرفی این طبقات نشان از این واقعیت دارد که آن‌ها شامل لایه‌های فعال اجتماعی آن روزگار بودند، اما در نظام‌نامه انتخابات شناخت شاهزادگان، اعیان، اشراف و علما بنا به تشخیص عرف و عادت بود. از این رو، برای آنان ضابطه‌ای در نظر نگرفته بودند. (ویژه و قهوه‌چیان، ۱۳۹۱: ۱۱) همچنین وابستگی طبقاتی افراد به اشراف یا زمین‌دار در این نظام‌نامه مشخص نشده است. از سوی دیگر، در این زمان سایر طبقات نیز می‌توانستند در ردیف زمین‌داران قرار گیرند، به مانند تجار که به بخش کشاورزی و زمین‌داری روی آورده‌اند، ازجمله حاج محمدحسن امین‌الضرب، حاج ابوالقاسم رئیس‌التجار، حاج معین‌التجار بوشهری، حاج کاظم ملک‌التجار، ارباب جمشید و برادران تومانیانس. شاهزادگان همچنین از ملاکان بزرگ محسوب می‌شدند. (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۷: ۵۳) بنابراین نمی‌توان طبقه‌بندی را بر اساس نظام‌نامه انتخاباتی تعیین کرد.

با توجه به آنچه درباره طبقه گفته شد، به نظر می‌آید بهتر است در اینجا از عبارت نیروی اجتماعی بهره برد. نیروهای اجتماعی مجموعه‌ای از طبقات و گروه‌هایی هستند، مرکب از افرادی که دارای وجوه همسانی از نظر علایق اقتصادی، ارزشی، فرهنگی، صنفی و جز آن باشند. نیروهای اجتماعی شامل طبقات به مفهوم دقیق آن و گروه‌ها و شئونی می‌شوند که ذاتاً

طبقه به شمار نمی‌روند. (بشیریه، ۱۳۷۸: ۱۰۷، ۱۲۷) در سنخ‌بندی نیروهای اجتماعی، لازم است به منزلت آن نیز توجه داشت. منزلت به پایگاه اجتماعی یک فرد در یک گروه و یا رتبه یک گروه در مقایسه با گروه‌های دیگر اطلاق می‌شود. همین پایگاه منزلتی فرد است که حقوق و مزایای یک شخص را معین می‌کند. (کوئن، ۱۳۸۵: ۶۰)

بر اساس تعریف نیروهای اجتماعی، سعی شد در اسناد موردنظر افراد وابستگی طبقه‌ای آن‌ها شناسایی شود و طبقات متجانس از نظر شغلی، پایگاه و منزلت اجتماعی در کنار هم قرار گیرند. بدیهی است در داخل هر یک از طبقات به تعارضات درون طبقاتی برمی‌خوریم و بین افراد یک طبقه، وحدت وجود ندارد که این امر به تفاوت منزلت اجتماعی افراد بازمی‌گردد، نظیر تفاوت مجتهدین بزرگ با طلاب و وعاظ یا تفاوت بین تجار و کسبه کوچک بازار. در اسناد امجدالسلطان، نیروهای اجتماعی مراجعه‌کننده به عدلیه در سه گروه قابل تقسیم‌بندی هستند: ۱. شاهزادگان و خاندان قاجار، عمال حکومتی، نظامیان و صاحب منصبان دولتی (به عبارتی وابستگان به حکومت)، ۲. روحانیان، ۳. تجار و بازاریان (اعم از اصناف و پیشه‌وران) علاوه بر این گروه‌ها، از رعایا که منظور روستاییان هستند، اسناد بسیار محدودی موجود است که به مشکلات حقوقی آنان در عدلیه رسیدگی شده است. همچنین از دیگر مراجعین به عدلیه، گروه‌هایی هستند که در اسناد به عنوان «جماعت» از آن یاد می‌شود. نظیر سادات که درباره غصب ملک وقفی در شهر قم مدعی بودند. (ساکماق، ۱۳۸۵: ۶۱-۲)

برای شناخت سنخ‌های مختلف مراجعه‌کننده به عدلیه، می‌باید آنان را با توجه به مشاغل، القاب و عناوین یا خطاب‌هایی که برای تعظیم و احترام پس از اسم می‌آورند، شناسایی کرد. ساده‌ترین و عادی‌ترین نوع معرفی به وسیله انتساب شخص به شغل مشغول به آن و کار دائمی او بود. به طور عمده افراد بازاری به همراه شغلشان معرفی شده‌اند. از این رو، یافتن آنان به سهولت امکان‌پذیر است. در مواردی نیز تنها به نام اشاره شده است و با توجه به این که مورد حقوقی آنان در محکمه تجارت مورد بررسی قرار گرفته یا دعوی آنان بر سر مستغلاتی نظیر دکان است، می‌توان نتیجه گرفت که فرد موردنظر جزو بازاریان است. (به طور نمونه: ساکماق، ۱۳۸۵: ۶۱-۲)

افراد مختلف بازار شامل تجار، اصناف و پیشه‌های مختلف می‌شد که در گروه‌هایی سازمان یافته بودند. (اشرف و بنوعیزی، ۱۳۷۸: ۵۹-۶۱) صاحبان مشاغل در بازار که به عدلیه مراجعه کرده‌اند، بر اساس اسناد موردنظر عبارت‌اند از: تجار، صندلی ساز، نجار، صراف، بنا،

قصاب، بقال، عطار دواساز، کتابفروش، نمکی، کالسکه ساز، معمار، شال فروش، دوافروش، فخار، آشپز، فرش فروش، ریخته گر، علاف، ذوغالی، عطار، درشکه چی، قهوه چی، سمسار، قناد، خیاط، سقط فروش^۱، آجیل فروش، خباز، عصار، تر بار فروش، آهن فروش، تنباکوفروش، صحاف، چلوپز. جهت شناخت سایر افراد، لازم است به القاب و عناوین آنان توجه کرد. برای طبقه روحانیان عناوین شیخ، آخوند، ملا و مجتهد یا القابی نظیر صدرالاسلام، حجة الاسلام و یا عبارت شریعتمدار ذکر شده است. معمولاً برای شاهزادگان قاجار عنوان نواب، میرزا (پس از نام) و نیز واژه والا و شاهزاده به کار می رفت.

گاهی رجال فارغ از توجه به اسم های کوچک، فقط با القابشان ذکر شده اند. این امر در این زمان قاعده ای مرسوم بود و آن را دور از ادب و نزاکت می دانستند که شخص صاحب لقب را مانند افراد عادی و بی لقب به اسم زادمانی (نامی که هنگام تولد بر او نهاده شده است) بخوانند. (امین، ۱۳۸۵: ۱۶) برای تجار این القاب آورده شده است: اعتمادالتجار، (ساکماق، ۵۹۶۴۴: ۱-۲)، تاجرباشی (ساکماق، ۵۹۶۶۸: ۱-۲) معینالتجار (ساکماق، ۵۹۶۸۴: ۱-۸) رئیسالتجار (ساکماق، ۵۹۶۹۳: ۱-۳) معتمدالتجار (ساکماق، ۵۹۷۴۸: ۱-۷) ملکالتجار (ساکماق، ۶۰۰۸۹: ۱-۵) مشیرالتجار (کمام، ۸۸: ۳۳) افتخارتالتجار. (ساکماق، ۶۰۱۴۸: ۱-۳) القابی نیز با پسوندهای الدوله، السلطان، السلطنه، الملک، الممالک مربوط به گروه نخست مشاهده می شود.

البته ذکر این نکته لازم است که اعطای لقب در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه رشد فزاینده ای یافته. از این رو، جهت جلوگیری از ضریب خطا، از طریق کتب تاریخی و فرهنگ های القاب و رجال شناسی، افراد مورد شناسایی قرار گرفتند. نوع دعوی حقوقی نیز در این شناسایی کمک می کند. به طور نمونه مورد اختلاف که شامل اموال و املاک گسترده ای می شد، نشان دهنده وابستگی فرد مذکور به گروه نخست یا تجار بزرگ است. از سوی دیگر در مواردی، اطلاعات محتوایی اسناد در شناسایی فرد و اطمینان از وابستگی او به گروه نخست، نگارنده را یاری رساند. به طور نمونه در سندی اسم مشتکی عنه این گونه ذکر شده است: «مؤتمن الدوله پسر وزیر» (کمام، ۸۹، پ ۲۳: ۱۹۳) که با توجه به لقب، او، میرزا مصطفی خان ملقب به مؤتمن الدوله فرزند سعید خان انصاری مؤتمن الملک، وزیر خارجه عهد ناصر است. (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۱۷۹)

۱. فروشنده کالاهای خرده ریز، خرده فروش.

سنخ‌شناسی از نظر جغرافیایی، مذهبی و جنسیتی

از نظر پراکندگی جغرافیایی در این زمان از آنجاکه عدلیه مرکزی در تهران بود، بیشترین افراد از تهران به عدلیه مراجعه می‌کردند. در تهران، چهار محله اصلی^۱ دارای شعبات عدلیه بودند: محله سنگلج، محله بازار، عودلاجان و چاله میدان. (ساکماق، ۵۹۹۵۸: ۱-۳) این شعبات به تدریج در سایر نقاط از جمله لواسانات و دروازه قزوین گسترش یافت. به استناد اسناد، در این زمان سعی می‌شد در تمام شهرها عدلیه ایجاد شود و توسعه یابد. به طوری که تا ۱۳۲۸ق. (۱۹۱۰م) در تمام ایالات و ولایات شعب عدلیه تأسیس شد. (ساکماق، ۶۰۴۵۳: ۲-۱؛ ۶۰۳۷۶: ۳-۱) در اسناد به این مناطق اشاره شده است: مشهد، شیراز، قزوین، سبزوار، رشت، لاهیجان، قم، عراق، بارفروش، اردبیل، مازندران، تبریز، اصفهان، آذربایجان، ملایر، همدان، کردستان، گروس، سراب آذربایجان، کرمانشاه، قائنات، کرمان، دامغان، سمنان، خراسان، بروجرد، فارس، سبزوار، کاشان، بسطام، یزد، تویسرکان، نهاوند، بیجار، نیشابور، کنگاور، نطنز. افراد نیز موظف بودند به عدلیه شهر خود مراجعه کنند. با این حال، جهت استیناف یا پیگیری جدی‌تر به عدلیه مرکزی مراجعه می‌کردند.

به طور عمده، افراد شهرنشین بیشترین مراجعه را به عدلیه داشتند و سهم عدالت خواهی روستاییان و ایلات از عدلیه جدید بسیار محدود بود. با وجود این که حقوق شهروندی بر ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین حقوق تمامی افراد بشر دلالت دارد و به هیچ وجه محدوده‌ای به نام شهر و روستا ندارد و نام‌گذاری آن به این عنوان، ناشی از مسامحه و ترجمه از واژه انگلیسی Citizenship Rights است. (السان، ۱۳۸۷: ۶) اسناد نشان می‌دهد به طور عمده مردم شهرنشین برای حل مشکل قضایی خود به عدلیه مراجعه می‌کردند. صرف نظر از این که در مقایسه با مردمان شهرنشین، مشکلات حقوقی در روستاها با روش‌های سنتی همچون ریش سفیدی و کدخدامنشی حل و فصل می‌شد یا مشکلاتی نظیر بعد مسافت، آنان را از مراجعه به عدلیه باز می‌داشت، فوران و آبراهامیان بر این نکته تأکید دارند که روستاییان و ایلات و عشایر به طور عمده درگیر انقلاب نشدند و این یک قیام مردمی و شهری بود. (فوران، ۱۳۹۲: ۲۷۲؛ آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۷۶) از این رو، سهم عدالت خواهی شهریان بیشتر بوده است.

در عریضه‌های محدودی که در میان اسناد وجود دارد و در آن دعاوی حقوقی روستائیان مطرح شده، مجلس شورای ملی یا عدلیه که از مظاهر مشروطه است، مخاطب آنان نیست

۱. برای شناخت محلات تهران، رک: (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۲۳۴).

بلکه به صورت سنتی و به رسم پیش از مشروطه مخاطب عریضه‌ها، شاه یا عضدالملک نایب‌السلطنه است. (ساکماق، ۱۴۰۶: ۶۵۴) در این باره می‌توان بیان داشت از وجود و کارایی آن آشنایی نداشتند که این امر با عرایضی که در اوایل مشروطه جهت مشکلات مالیاتی و سیستم مالکیت و زمین‌داری به مجلس عنوان می‌کردند، در تباین است. تحلیل دیگر این است که گرچه نمایندگان مجلس در ابتدای فعالیتشان به دنبال همراهی محدود با روستائیان و زارعین بودند و حتی مسئله نمایندگی آنان را مطرح کردند و هنگام اصلاح نظام مالیاتی تا حدودی در تلاش بودند که به حقوق آنان توجه شود، اما با توجه به این‌که اغلب نمایندگان به اقشار زمین‌دار و تاجر زمین‌دار وابسته بودند، بیشتر ترجیح می‌دادند به دفاع از نهاد مالکیت و حقوق زمین‌داران و مناسبات زمین‌داری آن زمان بپردازند. (فلاحی توتکار، ۱۳۸۵: ۱۴۴-۱۳۰، ۱۴۳) از این رو، روستائیان در همان ابتدای پیروزی، امیدی به مظاهر منبعث از مشروطه از جمله عدلیه نداشتند. از سوی دیگر نمایندگان بر این امر واقف بودند که «اکنون که اقشار شهری در پرتو انقلاب مشروطیت در فضای جدیدی زندگی می‌کنند باید ترتیبی داده شود که دهاتی‌ها زیر همان استبداد سابق نمانند». (مذاکرات مجلس شورای ملی (دوره اول)، ۱۳۲۵) با این حال، در اسناد، حداقل در سال‌های نخست مشروطه، تلاشی برای گسترش عدلیه در میان جمعیت غیرشهری مشاهده نمی‌شود.

در میان طبقات مختلف شهری، تجار و بازاریان سهم بیشتری در مراجعه به عدلیه داشتند. در ایران سنتی، زندگی در شهرها حول بازار متمرکز شده بود. در حقیقت بازار، انبار غله، کارگاه، مرکز دادوستد، بانک، کانون مذهبی و مرکز تعلیم و تربیت کل جامعه بود. علاوه بر آن، مشاغل مختلف به شکل اصناف در بازار شکل گرفته بود. به تدریج که جنبش مشروطیت شکل می‌گرفت نقش بازاریان در تحصن و به راه‌اندازی اعتصاب، تعیین‌کننده‌تر می‌شد. (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۷۸) از این رو، برخی نقش تجار و بازرگانان را که از طبقات مهم شهرنشین هستند، در آن برجسته تر از سایرین جلوه داده و آنان را بازیگران اصلی صحنه سیاسی مشروطه قلمداد کرده‌اند. (ترابی‌فارسانی، ۱۳۸۴: ۴۸-۵۱) البته همان‌گونه که اشاره شد، تنها یک طبقه خاص این مهم را انجام ندادند. با این حال، نقش تجار و بازاریان در جنبش مشروطه سهم مهم و انکارناپذیری دارد. از این رو، به نظر می‌رسد پس از پیروزی با آگاهی از حق خود، بیشترین مراجعه را به عدلیه - از مظاهر مشروطه - داشتند و با طرح مطالبات مغفول مانده سعی کردند بیشترین سهم خواهی را از عدالت داشته باشند.

اقلیت‌های مذهبی نیز از افرادی بودند که جهت حل مشکلات حقوقی خود به عدلیه مراجعه می‌کردند. در اسناد به این افراد اشاره شده است. از زردشتیان: ارباب شهریار، ارباب جمشید، شهریار خداداد پارسی ساسانی زرتشتی، ارباب کیخسرو (ساکماق، ۶۰۵۸۲: ۱۰)، از ارمنی‌ها و مسیحیان: طومانیانس، مادام برناود، مریم مسیحی، اینانس مسیحی، ططاووس مسیحی (کمام، ک ۸۹، پ ۲۳: ۳۶۸) از یهودیان و کلیمیان: میرزا ابراهیم کلیمی (ساکماق، ۵۹۸۳۵: ۳) رحیم کلیمی و لاله زار کلیمی. (ساکماق، ۶۰۰۲۴: ۱-۳) از لحاظ تفکیک جنسیتی، علاوه بر مردان، زنان نیز از دیگر مراجعین به دستگاه قضا بودند. از ۵۰۰ مورد حقوقی، ۷۷ مورد آن مربوط به دعاوی حقوقی زنان است. زنان با عبارات خانم یا بیگم، کمینه یا ضعیفه معرفی می‌شدند. در مواردی که وابسته به گروه نخست بودند به‌مانند مردان با القابشان یاد می‌شدند. نظیر معظمه الدوله (ساکماق، ۶۰۳۹۴: ۱-۳)، میمنت الملوک (ساکماق، ۶۰۵۹۸: ۲-۱)، میمنت السلطنه (ساکماق، ۶۱۶۰۶: ۱-۲)، معز السلطنه (ساکماق، ۶۱۳۴۶: ۱-۵)، محترم السلطنه (ساکماق، ۶۱۳۳۶: ۱-۲) و شرافت السلطنه (ساکماق، ۶۱۵۶۴: ۱-۲) زنان گاهی به‌عنوان هویت مستقل یاد می‌شدند و در مواردی برای شناساندن آنان نام همسر، پدر یا برادر ذکر می‌شد نظیر ملکه خانم زوجه میرزا محمود خان قائم مقام (ساکماق، ۵۹۶۳۶: ۱-۲) و دختر محمد شریف (ساکماق، ۶۱۴۳۷: ۱۸۹)، همشیره اعتضادالدوله. (ساکماق، ۶۰۴۷۸: ۲-۱)

دعاوی قضایی نسخ‌های مختلف

مشکلات و دعاوی مطرح‌شده توسط نسخ‌های مختلف در دوره مشروطه که بیانگر واقعیاتی در بستر اجتماعی، اداری و سیاسی جامعه ایران است را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: مشکلات حقوقی مربوط به اختلافات به وجود آمده میان افراد مختلف در حوزه‌های ملکی، مالی، ارث و وقف. مشکلات کیفری شامل جعل سند، زندانیان سیاسی و مطبوعات و نیز سایر جرائمی که در قانون محاکمات جزایی مصوب ۱۳۳۰ ق. (۱۹۱۲ م.) به‌عنوان جرائم جنایت، جُنحه و خلاف شناخته می‌شوند. (مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت: ۱۸۷) البته تقسیم‌بندی دعاوی قضایی به حقوقی و کیفری امروزه نیز در نظام دادرسی ایران وجود دارد. در حوزه حقوقی بیشترین چالش میان نسخ‌های مختلف، مسائل مالی بوده است. این امور شامل طلب و دیون افراد است. تجار و بازاریان بیشترین سهم را در این نوع مشکلات

داشتند. امور راجع به معاملات تجاری که طرفین یا یک طرف آن تاجر بودند و مورد اختلاف آنان راجع به اموال غیرمنقول بود، در صلاحیت محکمه تجارت محسوب می‌شد. از این رو، به تعدد، گزارش‌ها و نامه‌های اداری مربوط به این محکمه موجود است. محله بازار ازجمله محلات دارای محکمه بود که در اسناد از آن به‌عنوان «محکمه محله بازار» یاد می‌شد. (ساکماق، ۵۹۹۱۱: ۱) بنا بر نوشته اتحادیه، در محله بازار تجار و کسبه سکونت داشتند. (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۱۸۰) این امر نشان‌دهنده اهمیت رسیدگی به مشکلات قضایی اهالی بازار محسوب می‌شد که سبب ایجاد محکمه‌ای مخصوص در این محل شده بود.

در این دوره اختلافات مالی تاجران بزرگی ازجمله مشهدی کاظم ملک‌التجار و ارباب جمشید تا تجار و خرده‌فروشان و صاحبان اصناف نظیر استاد محمد ابراهیم صندلی‌ساز (ساکماق، ۵۹۹۲۰: ۴-۱) و حاجی باقر بقال (ساکماق، ۵۹۶۲۰: ۱-۲) مشاهده می‌شود. صرافان به دلیل ارتباط مستقیم با فعالیت و حوزه‌های مالی و بانکداری قدیم، یکی از متداعیین در اختلافات مالی بودند که در اسناد به آنان اشاره می‌شود نظیر حاجی باقر صراف (ساکماق، ۵۹۵۵۲: ۴-۱)، سیف علی صراف (ساکماق، ۵۹۶۹۸: ۱-۲)، آقا اسماعیل تبریزی صراف (ساکماق، ۵۹۷۲۴: ۲-۱) و آقا علی صراف. (ساکماق، ۶۰۰۵۷: ۱-۲) از بارزترین مشکلات جزایی که در اسناد بیشتر به آن پرداخته شده است، جعل اسناد است. چندین پرونده در این زمینه وجود دارد که دربرگیرنده جعل اسناد املاک و مستغلات همچنین جعل اسناد مالی است. (ساکماق، ۵۹۹۵۹: ۲-۱؛ ۶۰۱۴۰: ۱-۶؛ ۶۱۳۲۲: ۴۳۵) با نگاهی به اسناد، به‌طور عمده شاکیان و متشاکیان، از سنخ اشراف و وابستگان حکومتی بودند. به‌طور نمونه در ۱۳۲۸ ق. دستگاه قضا موفق به کشف بانددی موسوم به کاغذسازها شد. شکایت‌هایی از این باند موجود است، ازجمله عریضه مادر احتشام‌الملک درباره فروش ملکش توسط شاهزاده عین‌الدوله با کاغذ جعلی که کاغذسازها ساخته بودند. (ساکماق، ۶۱۶۱۴: ۱) گزارش‌های روزانه‌ای در این خصوص به‌صورت محرمانه به وزیر عدلیه ارائه می‌شد. گویا علت محرمانه بودن مکاتبات، این بود که افراد سرشناس و صاحب رتبه‌ای در این پرونده در مظان اتهام بودند که این امر، رسیدگی به آن را سخت می‌کرد. (ساکماق، ۶۰۵۹۵: ۲، ۵)

با نگاهی به شاکیان و متشاکیان، می‌توان نتیجه گرفت به‌طور عمده متداعین هم‌سنخ بودند. این امر از نظر اجتماعی بدیهی به نظر می‌رسد، چراکه غالباً افراد با هم‌سنخ خود از نظر اجتماعی روابط دارند. گاهی نیز میان گروه نخست با تجار بزرگ، مشکلات قضایی مالی و

ملکی ایجاد می‌شد. اختلاف مالی میان میرزا عبدالله خان امین‌السلطان فرزند میرزا علی اصغر خان اتابک وزیر با معین‌التجار بوشهری نمونه‌ای از آن است. (ساکماق، ۵۹۶۸۴: ۸-۱) شکایت‌هایی هم از گروه پیشه‌وران و اصناف نسبت به افراد وابسته به کانون‌های قدرت که گروه نخست را در برمی‌گرفت، گزارش شده است. نظیر شکایت استاد ابوالقاسم بنا از شاهزاده حاجی مجدالدوله از اشراف وابسته به خاندان قاجار، جهت دریافت طلب دستمزد خود (ساکماق، ۶۰۰۴۳: ۱-۲) و یا شکایت حاجی علی آشپز از میرزا احمدخان دبیر تشریفات. (ساکماق، ۵۹۸۸۴: ۱-۴) در مواردی مشکلات حقوقی بین دو تاجر بزرگ مطرح شده است. مانند حاج کاظم ملک‌التجار و ارباب جمشید که مشکلات ملکی داشتند. (کمام، ۸۹، پ ۲۳: ۲۰۱) گزارش‌های متعددی نیز از مشکلات مالی میان اصناف و پیشه‌وران وجود دارد، ازجمله میان شعبان علی علاف و آقا رضا زغالی. (ساکماق، ۵۹۹۱۲: ۱-۲)

عدلیه در اوایل مشروطه جایگاه مهمی در میان مردم داشت و از آن با نام «عدلیه مقدس» یا «وزارت مقدسه عدلیه اعظم» یاد (ساکماق، ۶۰۵۸۱: ۳۷) و به عنوان «روح مملکت و اسباب رفاه و آسایش ملت» تلقی می‌شد. (کمام، ۸۸، پ ۲۳: ۳۹۹) این اسناد اقبال سنخ‌های مختلف به عدلیه - به‌ویژه بعد از استبداد صغیر (۲۲ جمادی الاول ۱۳۲۶ ق. تا ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق.) - برای مطرح‌سازی دعاوی و حل مشکلات قضایی رانشان می‌دهد. فهرست‌های متعددی از عریضه‌های واردشده به محاکم وجود دارد. فهرست عریضه‌های واردشده به دفتر ابتدایی حقوق از آن جمله است که تنها از پنج‌شنبه ۲۵ شوال لغایت سلخ (آخر) شوال ۱۳۲۸ ق. هشتاد و دو عدد دادخواهی به همراه اسامی مدعی و مدعی‌الیه ثبت شده است.

دو مؤلفه اجرای عدالت و توجه به قانون، از موارد مدنظر مراجعین به دستگاه قضا در صدر مشروطه بود. در اسناد، نمونه‌هایی از رفتارهای فرافانونی بودن از سوی برخی سنخ‌های وابسته به کانون‌های سنتی قدرت مشاهده می‌شود، اما از سوی دیگر در صدر مشروطه مواردی در اهتمام عدلیه جهت تسری بخشی قانون و الزام صاحبان قدرت و اشرافیت به رعایت آن، در نتیجه حفظ استقلال دستگاه قضا و مصونیت از دخالت حکام، قابل مشاهده است. (ساکماق، ۶۱۳۴۹: ۱-۱۷؛ ۶۱۳۳۶: ۱-۲) اجرایی شدن حکم جهت گرفتن طلب استاد ابوالقاسم بنا از شاهزاده محمدکاظم میرزا و حاجی مجدالدوله از اشراف وابسته به خاندان قاجار (ساکماق، ۶۰۰۴۳: ۲-۱)، محکومیت محمدعلی خان قاجار به حبس (ساکماق، ۵۹۹۳۶: ۱-۳)، پیگیری

شکایت از ملکه ایران توسط اداره مدعی العموم (ساکماق، ۶۰۰۹۷: ۱-۲) و یا شکایت حقوقی در حوزه ملکی توسط شیخ یحیی خان از سردار منصور، وزیر عدلیه به تاریخ جمادی الثانی ۱۳۲۸ق. نمونه‌هایی از آن است. برگه احضاریه سردار منصور، وزیر عدلیه در اسناد موجود است. در برگ احضاریه، شغل وی به عنوان مدعی الیه «وزیر عدلیه اعظم» بیان شده و برای شیخ یحیی خان به عنوان مدعی، «اهل علم» ذکر شده است. این نکته، تفاوت جایگاه شغلی و اجتماعی مدعی و مدعی الیه را نشان می‌دهد. در برگ احضاریه در قسمت شرح شکایت، از طرف شیخ یحیی فارغ از رعایت ملاحظه‌ای ذکر شده است: «سه دانگ از قریه سراوان واقع در رشت، ملکی موروثی اینجانب را من غیرحق تصرف نموده، مستدعی احضار و احقاق حق است». اگرچه اسناد از سرنوشت این شکایت آگاهی نمی‌دهد، اما صدور برگه احضاریه و فراخواندن وزیر عدلیه به محکمه فارغ از ملاحظه‌ای، حاکی از انجام مقررات دادرسی برای او به مانند سایر افراد بوده است. (ساکماق، ۵۹۹۲۰: ۱-۴)

در شکایت محترم السلطنه از برادرش شاهزاده معتصم الدوله درباره مطالبه ارثیه از همدان، آنگاه که شاهزاده به رسم دیرین بیان می‌دارد کارگزاران حکومت فخمیه ولایات ثلثه، حکم به حقانیت وی داده‌اند، عدلیه پاسخ می‌دهد: «مدتی است صدور این گونه احکام، موجب الزام طرف نخواهد شد» و تأکید می‌کند: «گفتگوی عموم طبقات مردم از بابت دعاوی حقوق در دیوان عدالت عظمی، تسویه و قطع می‌شود». (ساکماق، ۶۱۳۳۶: ۱-۲) نمونه دیگر از رفتارهای فراقانونی برخی سنخ‌ها وابسته به کانون‌های سنتی قدرت، اختلاف قضایی میان منشور السلطنه و معزالسلطنه، نامادری احمدشاه، است که مکاتبات آن در میان اسناد موجود است. (ساکماق، ۶۱۳۴۹: ۱۷-۱) آنگاه که احمدشاه قاجار در حمایت از معزالسلطنه به دادگاه توصیه‌ای می‌کند، صدرالاشراف، رئیس استیناف وقت نیز با قاطعیت جواب می‌دهد: «در قوانین محاکمات، دستخط شاه از دلایل محاکمه منظور نشده است». این قضیه در خاطرات صدرالاشراف آورده شده است. (صدرالاشراف، ۱۳۶۴: ۲۱۶-۲۱۷)

نتیجه

عمده‌ترین مسئله مورد توجه این پژوهش، شناخت سنخ‌های مختلف مراجعه‌کننده به عدلیه پس از مشروطه بین سال‌های ۱۳۲۵ق. تا ۱۳۲۹ق. بود. با توجه به اطلاعاتی که اسناد ارائه می‌دهد، سنخ‌های مختلفی که به عدلیه مراجعه داشتند، به طور عمده شهرنشین بودند و

سهم عدالت خواهی روستاییان، ایلات و عشایر از نظام قضایی نوین اندک بود. از سوی دیگر، حداقل طی سال‌های نخست مشروطه برای گسترش عدلیه در میان جمعیت غیرشهری اهتمامی از سوی حکومت مشاهده نمی‌شود. با بررسی دعاوی حقوقی میان سنخ‌های مختلف، مسائل مالی بیشترین اختلافات را شامل می‌شد که از بحران‌های فزاینده مالی نظام مشروطه حکایت دارد. آنچه در دعاوی جزایی این دوره مورد توجه قرار می‌گیرد، پدیده جعل اسناد است که به طور عمده سنخ اشراف و وابستگان حکومتی درگیر آن بودند. این امر به نبود قباله درست و نامشخص بودن حدود املاک بازمی‌گردد. اگرچه رفتارهای فراقانونی از سنخ وابسته به کانون‌های سنتی قدرت مشاهده می‌شود که ناشی از ریشه‌دار بودن استبداد و یادگار دوره پیشین بود، اما نظام جدید مشروطه در سال‌های نخست، سعی در مقابله با آن داشت. مصادیق ذکرشده در اسناد در مقابله با کانون‌های قدرت، قابل ملاحظه است؛ اقدامی که در پیش از مشروطه به طور عملی، امری غریب به نظر می‌آید.

منابع

- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۹۴ش). ایران بین دو انقلاب. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نی.
- اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷ش). اینجا طهران است. تهران: تاریخ ایران.
- اشرف، احمد، و علی بنوعزیزی. (۱۳۸۷ش). طبقات اجتماعی، دولت و انقلاب در ایران. ترجمه سهیلا ترابی فارسانی. تهران: نیلوفر.
- السان، مصطفی. (۱۳۸۷ش). «حقوق شهروندی از چشم‌انداز نظریه شهروندی جهانی و قوانین و مقررات ایران» حقوق بشر. (شماره ۶)، ۳-۲۰.
- امین، سید حسن. (۱۳۸۵ش). «ایران‌شناسی القاب: بازتاب طبقاتی و فرهنگی در نام‌گذاری‌ها». حافظ. (شماره ۲۹)، ۲۱-۶.
- بشیریه، حسین. (۱۳۷۸ش). جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی. تهران: نی.
- ترابی فارسانی، سهیلا. (۱۳۸۴ش). «نقش طبقه بازرگانان در انقلاب مشروطه». بازتاب اندیشه. (شماره ۶۵)، ۴۸-۵۱.
- سلیمانی، کریم. (۱۳۷۹ش). القاب رجال دوره قاجاریه. تهران: نی.
- صدر، محسن (صدرالاشراف). (۱۳۶۴ش). خاطرات صدرالاشراف. تهران: وحید.
- فلاح توتکار، حجت. (۱۳۸۵ش). «بازتاب مسئله دهقانی در مجلس اول (۱۳۲۶-۱۳۲۴ق)». نامه

تاریخ پژوهان. (شماره ۷)، ۱۴۴-۱۳۰.

کوئن، بروس. (۱۳۸۵). درآمدی به جامعه‌شناسی. تهران: توتیا.

مجموعه قوانین و مقررات عصر مشروطیت. (۱۳۸۸ش). تهران: روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی. به اهتمام کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (ثبت شده در وب سایت و لوح فشرده). دوره اول.

ملائی توانی، علیرضا. (۱۳۹۱ش). «ملاحظات در مفهوم عدالتخانه (۱۳۲۴ق/۱۹۰۶م)». پژوهش‌های تاریخی. (شماره ۱)، ۱۳۰-۱۱۳.

ویژه، محمدرضا، و حمید قهوه‌چیان. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر نظام‌نامه انتخابات سال ۱۳۸۵ مجلس شورای ملی». فقه و حقوق اسلامی. (شماره ۵)، ۲۲۶-۱۹۵.

اسناد

ساکماق (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی)

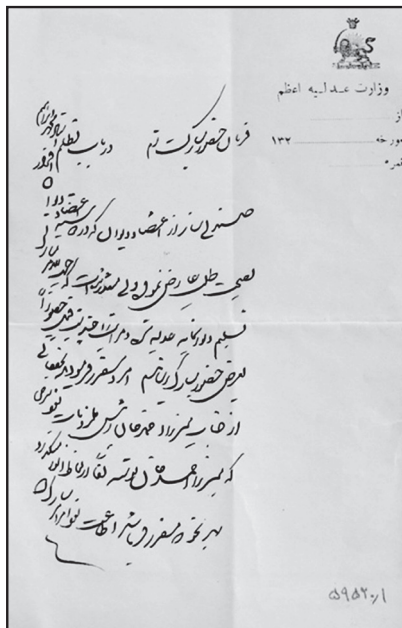
۵۹۸۳۵، ۵۹۷۴۸، ۵۹۷۲۴، ۵۹۶۹۸، ۵۹۶۹۳، ۵۹۶۸۴، ۵۹۹۱۲، ۵۹۶۶۸، ۵۹۶۴۴، ۵۹۶۳۶، ۵۹۵۵۲، ۵۹۸۸۴، ۵۹۹۱۱، ۶۰۴۵۳، ۶۰۳۹۴، ۶۰۳۷۶، ۶۰۱۴۸، ۵۹۹۲۰، ۵۹۹۳۶، ۵۹۹۳۶، ۵۹۹۵۸، ۵۹۹۵۹، ۶۰۵۲۴، ۶۰۰۴۳، ۶۰۰۸۹، ۶۰۰۹۷، ۶۱۳۳۶، ۶۱۳۳۱، ۶۱۳۲۲، ۶۰۶۵۴، ۶۰۵۹۸، ۶۰۵۹۵، ۶۰۵۸۲، ۶۰۵۸۱، ۶۰۴۷۸، ۶۱۵۶۴، ۶۱۶۰۶، ۶۱۶۱۴، ۶۱۶۱۵، ۶۱۴۳۷، ۶۱۳۴۶، ۶۱۳۴۹، ۶۱۳۴۹.

کمام (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)

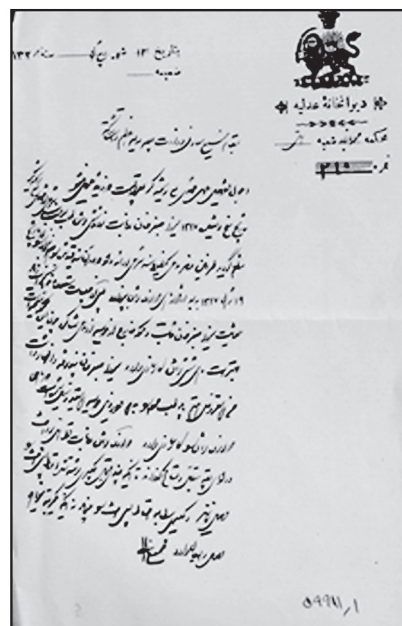
کارتن شماره ۸۸، پرونده ۲۳؛ کارتن شماره ۸۸، پرونده ۲۳.

[illegible]

قوت حضور و کرم
 سالی است که این معجزه منزه عن غشاست
 چشم من درین محل عشق تابانست و کوه کوه بودم که در کوه
 سید عالم به پیش که حکایت دادند بقید خودم هزار سال
 بماند و در خدمت پیر سیدان که شرف عشق
 داده بود چنان شمع من تا از کوه بدر میامد و فرزان به
 شرف و کرم که عباد شریف در دکان خود فروش می دادند
 و این را در حق من از دست آن دو ده تا چند هزار تومان
 بده بابت خود و بابت حکم چهار تن که هزار تومان
 در بزم بزم بابت حکم از سیدان دارد و شرف از سیدان
 هزار هزاره و از ده شرف علیه بابت خود که من از تو
 عزت دارم که شرف من حکم در ده تا چند هزار تومان
 شریف بر خادم از شرف من تا سیدان حاضر است
 در ده تا چند هزار تومان از شرف من تا سیدان حاضر است



تصویر ۵: گزارش به امجد السلطان، معاون عدلیہ درباره پروندہ شکایت استاد محمد ابراہیم صندلی ساز از اعتضاد دیوان



تصویر ۶: گزارش محکمہ محلہ بازار شعبہ اول، بہ امجد السلطان، معاون عدلیہ درباره اختلاف مالی میان میرزا جعفر خان با مشہدی علی ریختہ گر